

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ (بخش اول)

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۳ کلمه)

بُنْتُ	دختر «جمع: بَنَات»	قِيَمَة	ارزش، قیمت
تِلْكَ	آن «مؤنث»	كَ	مانندِ
جَبَل	کوه	كَالشَّجَرِ	مانند درخت
جَمِيل	زیبا	كَبِير	بزرگ «جمع: كِبَار»
ذَلِكَ	آن «مذکر»	لَوْحَة	تابلو
رَجُل	مرد «جمع: رِجَال»	مُجَالَسَة مُجَالَسَة الْعُلَمَاءِ	هم‌نشینی هم‌نشینی با دانشمندان
شَجَر	درخت «جمع: أَشْجَار»	الْمَرْأَة (امْرَأَة)	زن
صَف	کلاس «جمع: صُفوف»	نَاجِح	موفق، پیروز
صورة	عکس	نِسيَان	فراموشی
طَالِب	دانش‌آموز، دانشجو «جمع: طُلَّاب»	وَلَد	پسر، فرزند «جمع: أَوْلَاد»
فَرِيضَة	واجبِ دینی	هَذَا	این «مذکر»
فِي	در، داخلِ	هَذِهِ	این «مؤنث»

قِيَمَةُ الْعِلْمِ

۱. أَلْعَالِمُ بِلا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلا ثَمَرٍ.

دانشمند بدون عمل مانند درخت بدون میوه است.

۲. حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ.

نیکویی پرسش نیمی از علم است.

۳. مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ.

همنشینی با دانشمندان عبادت است.

۴. طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ.

طلب کردن دانش واجب دینی است.

۵. آفَةُ الْعِلْمِ النِّسْيَانُ!

آسیب دانش فراموشی است.

هَذَا هَذِهِ ذَلِكَ تِلْكَ



دکتر آثار اندامی

هَذِهِ الْمَرْأَةُ، طَبِيبَةٌ.

هَذِهِ الطَّبِيبَةُ، نَاجِحَةٌ.



پروفسور موسیوند

هَذَا الرَّجُلُ، طَبِيبٌ.

هَذَا الطَّبِيبُ، نَاجِحٌ.

۱. هر پنج حدیث از رسول الله ﷺ است.

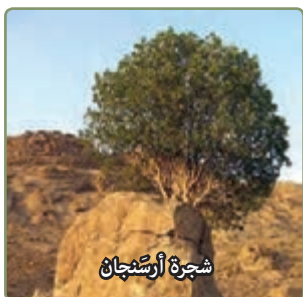


تِلْكَ الْمَرْأَةُ، شَاعِرَةٌ. *آن زن شاعر است*
تِلْكَ الشَّاعِرَةُ، بَرُوينُ. *آن شاعر پروین است*



ذَلِكَ الرَّجُلُ، شَاعِرٌ.
ذَلِكَ الشَّاعِرُ، سَعْدِيٌّ.

آن مرد شاعر است
آن شاعر سعدی است



شجرة أرستان

هَذِهِ الشَّجَرَةُ، عَجِيبَةٌ. *این درخت عجیب است*



هَذَا الصَّفُّ، كَبِيرٌ.

این کلاس بزرگ است



تِلْكَ اللُّوْحَةُ، جَمِيلَةٌ.

آن تابلو زیبا است



جبل جُم

ذَلِكَ الْجَبَلُ، مُرْتَفِعٌ.

آن کوه بلند است

۱. هر اسمی در عربی، یا مذکر است، یا مؤنث.

۲. علامت اصلی اسم مؤنث «ة، ة» است؛ مانند: طالِبَة و شاعِرة.

اما مذکر نشانه ندارد؛ مانند: طالب.



هَذَا طَالِبٌ.



هَذِهِ طَالِبَةٌ.

۳. «هَذَا» و «ذَلِكَ» اسم اشاره برای مذکر و «هَذِهِ» و «تِلْكَ» اسم اشاره برای مؤنث اند.

۴. اسم‌هایی مثل جَزِيرَة و لَوْحَة چون علامت «ة» دارند؛ مؤنث به شمار می‌آیند.

۵. اسم‌هایی مانند جَبَل و صَفّ نیز مذکر به شمار می‌آیند.

برای مطالعه آزاد در منزل^۱ (حروف شمسی و قمری)

۱. اسم‌های حروف الفبا در عربی:

الف (همزه) - باء - تاء - ثاء - جیم - حاء - خاء - دال - ذال - راء - زای - سین - شین -

صاد - ضاد - طاء - ظاء - عین - غین - فاء - قاف - کاف - لام - میم - نون - هاء - واو - یاء

۲. حروف «گ، چ، پ، ژ» در عربی نوشتاری وجود ندارد؛ اما در عربی گفتاری گاهی تلفظ می‌شوند.

۱. از این بخش در هیچ آزمون و مسابقه‌ای سؤال طرح نمی‌شود.

۳. به تلفُّظِ «الْقَمَر» دَقَّت کنید. لامِ ال در «الْقَمَر» خوانده می‌شود؛ اکنون به «الشَّمْس» دَقَّت کنید؛ تلفُّظِ لامِ ال در آن سخت است؛ بنابراین خوانده نمی‌شود. چهارده حرف (خوف حق کجی ب‌أغ عمه) را حروف قمری می‌نامند. در تلفُّظِ کلماتِ دارای ال که با حرف قمری شروع می‌شوند، سختیِ تلفُّظ وجود ندارد و لام به راحتی تلفُّظ می‌شود؛ مانند: الْوَلَدُ، الْعِلْمُ و الْمَدْرَسَةُ. چهارده حرفِ مانده (شن ل زردست ط ذ ض ظ ث ص) را نیز حروف شمسی می‌نامند. در تلفُّظِ کلماتِ دارای ال که با حرف شمسی شروع می‌شوند، لام خوانده نمی‌شود و حرف شمسی، علامتِ تشدید می‌گیرد؛ مثال: الشَّجَرُ، النَّاجِحُ و الرَّجُلُ که أَشْجَرُ، أَنَّاجِحُ و أَرْجُلُ خوانده می‌شوند.

الْتَّمَارِین

۱ التَّمْرِینُ الْأَوَّلُ:

این جمله‌ها را به فارسی ترجمه کنید؛ سپس زیر اسم‌های اشاره خط بکشید.

۱. ذَلِكَ الطَّالِبُ النَّاجِحُ، فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ.

این دانش‌آموز موفق در کلاس اول است.

۲. هَذِهِ الطَّالِبَةُ النَّاجِحَةُ، فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ.

این دانش‌آموز موفق در کلاس اول است.

۳. هَذَا الْوَلَدُ، فِي هَذِهِ الْمَدْرَسَةِ.

این پسر در این مدرسه است.

٤. هَذِهِ الْبِنْتُ، فِي تِلْكَ الْمَدْرَسَةِ.

این دختر در آن مدرسه است.

٥. ثَمَرُ هَذِهِ الشَّجَرَةِ الْكَبِيرَةِ، لَذِيذٌ.

میوه این درخت بزرگ، خوشمزه است.

٢ التَّعْمِرينُ الثَّانِي:

از کلمات داده شده، نام هر تصویر را بنویسید.

جَبَلٌ - شَجَرَةٌ - وَلَدٌ - بِنْتُ - صَفٌّ - قَرِیْصَةٌ



سرو ابرکوه

تِلْكَ شَجَرَةٌ مُرْتَفِعَةٌ.



هَذِهِ بِنْتُ نَاحِيَةٍ.



هَذَا صَفٌّ جَمِيلٌ.



ذَلِكَ جَبَلٌ كَبِيرٌ.